

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۰

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۴

جنایت و کشتار از این مرز و بوم رخت بر خواهد بست؟

برای شناسایی و افشای قاتلان توده های درد دیده و رنج کشیده افغانستان نیاز است تا چند دهه به عقب برگردیم و آغاز شکل گیری یا ظهور قاتلان مردم را از زمان خون و جنایت یعنی چند سال قبل از تجاوز ارتش «سرخ» مرور نمایم تا کسانی که در گذشته های نچندان دور مدیریت مستقیم قتل و کشتار زحمتکشان ما را به عهده داشتند، از لست طویل جنایتکاران خلق باز نمانند.

از فردای کودتای خونین هفتم ثور، حزب منفور دموکراتیک خلق برای تحکیم استبدادی قدرت سیاسی خود برنامه گسترده ای را برای حذف مخالفان سیاسی اش به راه انداخت و تا توانست خون ریخت و زندان ها را از مخالفانش پر کرد. نشر لست های سیزده هزار نفری و پنج هزار نفری را که به دست جلادان این حزب قتل عام گردیدند و در گورهای دسته جمعی دفن شدند، می توان منحصی اسناد کوچکی از جنایات این حزب به شمار آورد که تاریخ هیچ گاه این جنایات هولناک را فراموش نخواهد کرد.

به تعقیب آن راه اندازی عملیات جنایتکارانه قشون «سرخ» در همکاری و همیاری نزدیک با عساکر حزب منفور دموکراتیک «خلق» در جریان نزدیک به ۹ سال حاکمیت اختتاقی این حزب بر خانه و کاشانه مردم در سراسر افغانستان، باعث گردید تا بیش از دو نیم میلیون کشته، یک و نیم میلیون معیوب، بیش از ۵ میلیون مهاجر، دو میلیون بیجا شده داخلی و بالاخره نابودی تمامی زیرساخت های کشور را به همراه داشته باشد. این وقایع سرآغاز جنایات هولناکی است که قاتلان چهار دهه اخیر بر مردم ستمیده ما روا داشته اند. امین، تره کی، کارمل، نجیب، کشتمند، راتیزاد، گلابزوی، تنی، سروری و ده ها جنایتکار دیگر در حزب منفور دموکراتیک، قاتلان نابخشودنی توده های زحمتکش ما می باشند که روزی باید حساب جنایات شان را در دادگاه مردمی پس بدهند.

قیام های مردمی در ابتدای تجاوز چکمه پوشان قشون «سرخ»، شکل خودجوش به خود گرفته بود و از هر گوشه و کنار صدای اعتراض علیه اشغالگران روسی بلند گردید و مقاومت راستین و به حق توده ها عرصه را بر متجاوزین و ایادی داخلی آن هر روز تنگ و تنگتر می کرد. اما هنوز چند سالی از این تجاوز نگذشته بود که عده ای مجهول الهویه که هیچ پایگاه مردمی نداشتند، سمارق وار از هر گوشه و کنار سر بلند کردند و با دریافت کمک های کشورهای چون امریکا، عربستان، ایران، پاکستان و سایر کشورهای ذینفع در جنگ علیه اشغالگران روسی رهبری این قیام ها و حرکت های مردمی را به دست گرفتند و با یدک کشیدن پسوند و پیشوند اسلامی در نامگذاری احزاب شان، مردم ما را مجاب کردند که رهبران «واقعی» جهاد و مقاومت شان هستند، لذا مبارزه راستین و به حق توده های ما را در قبضه شان گرفتند.

بعد از شکست مفتضحانه اشغالگران روسی و سرنگونی دولت دست نشانده کابل، تیکه داران جهاد، با ارتکاب فجایع خونین و هولناک در کابل و سایر ولایات کشور، لست تازه ای از جنایتکاران و قاتلان مردم ما را به وجود آوردند که در برخی موارد، این جنایات به مراتب هولناکتر از فجایعی است که اشغالگران روسی و ایادی داخلی آن مرتکب شدند. قتل عام بیش از ۶۵ هزار کابلی، معیوب ساختن هزاران انسان، کوچاندن اجباری صدها هزار تن، کوبیدن میخ بر فرق انسان ها، تماشای رقص مرده، قطع اعضای بدن، تجاوز گروهی بر زنان و کودکان، کباب کردن انسان ها در کانتینرها، چور و چپاول دارائی های عامه، زنده به گور کردن انسان ها، ویرانی بیش از ۹۰ درصد خانه ها و ساختمان ها و صدها جنایت فجیع دیگر ارمغان نسل دوم از قاتلان مردم ما که به نام جنایتکاران جهادی یاد می شوند، در جنگ های داخلی است که استماع چنین وقایعی از زبان قربانیان آن غیر قابل تحمل است.

لست بلند بالائی از اسامی چنین جنایتکارانی هر لحظه و هر روز در اذهان توده های ما تازه می شود که عده ای زیادی از این جنایتکاران همین اکنون در دولت کنونی که توسط امریکای جنایتکار ساخته شده است و کماکان بر گرده های مردم ما سوار اند و کماکان به جنایات شان ادامه می دهند.

درج اسامی این جنایتکاران، صفحات زیادی را سیاه می کند که از حوصله این مقال خارج است. تمامی رهبران تنظیم های هفتگانه و هشتگانه به نحوی از انحاء در قتل، کشتار، تباهی و بربادی خاک وطن سهیم اند. در این میان احزابی که بیشتر محبوب القلوب بآداران پاکستانی، ایرانی، عربی، امریکائی و انگلیسی شان بودند، در ارتکاب وحشیانه تر چنین جنایات هولناک بیشتر از سایر تیکه داران جهاد دخیل اند که تاریخ خونین کشور ما قضاوت منصفانه خود را در قبال هر یک آنها نموده و در هر صفحه آن نام های شان درج گردیده است.

هنوز خون های ریخته شده در جریان جنگ های داخلی نخسکیده بود که گروهک فاشیستی دیگری به نام طالبان برق آسا بیشتر از ۹۰ درصد خاک افغانستان را تحت سیطره خود در آورد و پوقانه تیکه داران جهاد را ترکاند و نامی از آن همه مدعیان قدرت باقی نماند. این گروهک فاشیستی که توسط سازمان جاسوسی پاکستان (آی اس آی) مستقیماً تمویل و تجهیز می گردید، با پیاده نمودن افکار به شدت فاشیستی به تطبیق «شریعت غرای محمدی» پرداختند.

بریدن اعضای بدن در ملاء عام، سر بریدن، زیر دیوار کردن و قتل های مذهبی به سرگرمی همه روزه این گروهک فاشیستی تبدیل شده بود و هزاران انسان را به این بهانه ها در دادگاه های صحرائی به قتل رساندند. ملا عمر، ملا احسان الله، ملا محمد، ملا عباس، ملا ربانی، ملا محمد حسن، ملا بورجان، ملا متوکل، ملا برادر، ملا نورالدین، ملا وکیل احمد، ملا عبدالرحمن، ملا عبدالحکیم و صدها جنایتکار دیگر در این دوره شامل لست جنایتکارانی اند که مانند جنایتکاران جهادی باید در دادگاه خلق به جزای اعمال شان برسند.

سناریوی یازده سپتمبر ۲۰۰۱، برگ دیگری از تاریخ خون و باروت را در کشور ما ورق زد و دولتی متشکل از جنایتکاران چهار دهه اخیر و تکنوکرات های غرب به فرمایش ایالات متحده در بن شکل گرفت. از فردای تجاوز غرب در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱، صفحه جدیدی از لست قاتلان مردم ما باز گردید، لست طویل و بلند بالائی که در آن می توان نه تنها قاتلان چهار دهه اخیر را به وضوح مشاهده کرد، بلکه به این لست نیروهای تازه نفسی از قاتلان مردم ما نیز اضافه گردیده که نیروهای تا دندان مسلح ناتو به رهبری ایالات متحده در قتل و کشتار مردم ما بیشترین سهم را گرفته اند.

با گذشت نزدیک به سیزده سال از یلغار غربی ها به بهانه «جنگ علیه القاعده و تروریسم»، دیده می شود که نه تنها کاهشی در کشتار همه روزه مردم ما به میان نیامده بلکه هر روز این فجایع ابعاد وسیعتری به خود می گیرد و روزی نیست که خیر کشته شدن ده ها زن، طفل و غیر نظامی را در عملیات جداگانه طرف های «جنگ» ساختگی جاری

نشنویم. در تازه ترین گزارشی که دبیرکل سازمان ملل به نشر رسانده، دیده می شود که نسبت به سال ۲۰۱۲، در سال ۲۰۱۳ تنها در قتل و کشتار کودکان بیشتر از ۳۰ درصد افزایش آمده است.

قتل، کشتار، راه اندازی حملات انتحاری و انفجاری، کارگذاری ماین های کنار جاده، سر بریدن مردم، بمباران مراسم خوشی و غم توده ها توسط طیاره های بی پیلوت و راه اندازی عملیات شبانه گوشه ای از فرهنگ جنگی کشورهای تجاوزگر غربی را می سازد که روزانه ده ها انسان را به کام مرگ می فرستند.

لست قاتلان چهاردهم اخیر مردم ما سر درازی دارد و اگر خاموشی اختیار کنیم و هیچ اعتراضی علیه استعمار و استبداد نداشته باشیم و همه ما در لاک خود فرو رویم و نیروهای مترقی، پیشاهنگ و انقلابی که از میان توده ها برخاسته و با درد آنان آشنائی دارند به پا نخیزند و در آگاهی و رهبری توده ها سهم فعال نگیرند، مطمئناً هر روز بر تعداد جنایتکاران مردم ما اضافه گردیده و روزی فرا خواهد رسید که آن زمان توده ها دیگر اعتماد شان را به رهبری پیشاهنگ خود از دست خواهند داد.